

■ The Role of 'Conservation' and 'Dynamism' in the Revitalisation of Architectural Heritage based on the Continuity of Place-bound Values The Case of Choghaznabil Historic Site

Shima Shahrokhi (corresponding author)

PhD Candidate, Science and Research Unit, Islamic Azad University, Tehran

Kamaleddin Niknami, PhD

Professor, Faculty of Literature and Humanities, University of Tehran

Mohammad Saeed Izadi, PhD

Assistant Professor, Faculty of Art and Architecture, Bu-Ali Sina University, Hamadan

The revitalisation approach in the field of architectural heritage conservation requires the identification and enumeration of all related values. However, little attention has been paid in processes of revitalisation to natural geography and human thought, namely, place values. Shortcomings in recognising and explaining these values lead to a loss of an influential natural environment and the integration of architectural heritage with its context. On the other hand, in order to protect the architectural heritage, it is essential to recognise the continuity of values over time on top of identifying all relevant values. This study aims to improve the knowledge of valuation and develop a value-oriented view in architectural heritage protection, as well as developing current classifications of values and introduce the concept of 'continuity'. Adopting a qualitative approach and logical reasoning strategy, this study investigates the concepts of 'place values' and 'continuity' in architectural heritage, by re-reading related texts and theories, and then by analysing the data, the components of 'continuity', 'Place value indices', and their enumeration dimensions have been extracted as research findings and used to formulate the conceptual framework of 'architectural heritage revitalisation based on the continuity of place values'. Finally, by analysing the theoretical and field data obtained from the study of Choghaznabil Complex, the main question of the research is to do with the approach to revitalise the architectural heritage to perpetuate place values. Findings show that the relationship between the three indicators of 'natural foundations', 'construction idea' and 'constructed edifice' forms place values that

can be identified in the four dimensions of landscape, structure, function and meaning in architectural heritage. Also, 'dynamics' and 'conservation' are found as the two components of continuity, and the continuation of place values is subject to the 'dynamics' of indicators applied to 'sustainable development' and 'conservation' approaches in the relationship between indicators with the approach of 'disaster risk reduction' in the revitalisation process.

Keywords: Revitalisation, Architectural heritage, Continuity, Conservation, Choghaznabil.

نقش دو مؤلفه حفاظت و پویایی در باززنده‌سازی میراث معماری بر مبنای تداوم ارزش‌های مکانی موردپژوهی: میراث معماری محوطه تاریخی چغازنبیل^۱

محمدسعید ایزدی^۴

استادیار دانشکده هنر و معماری، دانشگاه بوعلی سینا

شیماساهرخی^۲

کمال‌الدین نیکنامی^۳

استاد دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران

دریافت: ۲۳ خرداد ۱۴۰۰

پذیرش: ۹ آبان ۱۴۰۰

(صفحه ۱۲۴-۱۰۵)

کلیدواژگان: باززنده‌سازی، میراث معماری، حفاظت، تداوم، چغازنبیل.

چکیده

رویکرد باززنده‌سازی در عرصه حفاظت از میراث معماری نیازمند شناسایی و احصای همه ارزش‌های مرتبط با اثر است، اما در فرایند باززنده‌سازی به تأثیرگذاری جغرافیای طبیعی بر شکل‌گیری میراث معماری و بر اندیشه انسان برای خلق آن، با عنوان ارزش‌های مکانی، کمتر توجه شده است. ضعف در شناخت و تبیین این ارزش‌ها سبب از دست رفتن محیط طبیعی اثرگذار و نابودی یکپارچگی میراث معماری با زمینه‌اش می‌شود. از سوی دیگر، برای حفاظت از میراث معماری، علاوه بر شناسایی همه ارزش‌های مرتبط، تداوم این ارزش‌ها در بستر زمان نیز ضروری است. در این پژوهش، با هدف ارتقای دانش ارزش‌گذاری و توسعه نگاه ارزش‌محور در عرصه حفاظت از میراث معماری، شناخت و معرفی ارزش‌های مکانی برای تکمیل طبقه‌بندی موجود از ارزش‌ها و شناسایی مؤلفه‌های مفهوم «تداوم» برای دست یافتن به چگونگی استمرار این ارزش‌ها پیگیری گردیده و با رویکرد کیفی و راهبرد استدلال منطقی و به روش موردپژوهی، ابتدا با بازخوانی متون و نظریه‌های مرتبط، به تدقیق مفاهیم «ارزش‌های مکانی» و «تداوم» در میراث معماری پرداخته شده است و سپس با تحلیل داده‌ها، مؤلفه‌های «تداوم»، «شاخص‌های ارزش مکانی»، و ابعاد احصای آن‌ها، با عنوان یافته‌های پژوهش، استخراج شده و

برای تدوین چارچوب مفهومی «باززنده‌سازی میراث معماری بر مبنای تداوم ارزش‌های مکانی» به کار آمده است. درنهایت، با تحلیل داده‌های نظری و میدانی حاصل از بررسی «مجموعه معماری چغازنبیل»، به سؤال اصلی پژوهش پاسخ داده می‌شود. بنابر یافته‌های پژوهش، ارتباط میان سه شاخص «بنیان‌های طبیعی»، «اندیشه ساخت»، و «کالبد ساخته‌شده» ارزش‌های مکانی را شکل می‌دهد و می‌توان این شاخص‌ها را در چهار بعد منظر، ساختار، عملکرد، و معنا در میراث معماری شناسایی کرد. همچنین، «پویایی» و «حفاظت» دو مؤلفه تداوم هستند که استمرار ارزش‌های مکانی منوط به «پویایی» شاخص‌ها با رویکرد «توسعه پایدار» و «حفاظت» از روابط میان شاخص‌ها با رویکرد «کاهش خطر بلایا» در فرایند باززنده‌سازی خواهد بود.

مقدمه

در قرن بیست و یکم رویکرد حفاظت ارزش‌محور به بیان دیدگاه‌های گوناگون و طبقه‌بندی‌های ارزشی متفاوت انجامید، تاجایی که موضوع نسبت‌پذیری و دگرگونی نیز در بیان ارزش‌ها اهمیت یافت، اما آنچه در این پژوهش به آن پرداخته می‌شود،



۱. این مقاله برگرفته از رساله دکتری نگارنده اول است با عنوان مفهوم‌شناسی تداوم ارزش‌های مکانی در باززنده‌سازی میراث معماری که به راهنمایی نگارنده دوم و مشاوره نگارنده سوم در تیرماه سال ۱۴۰۱ در گروه باستان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران دفاع شده است.

۲. نویسنده مسئول، دکتری باستان‌شناسی، دانشکده ادبیات، علوم انسانی و اجتماعی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی shima.shahrokhii@outlook.com
3. kniknami@ut.ac.ir
4. ms.izadi@basu.ac.ir

پرسش اصلی پژوهش

باززنده‌سازی میراث معماری با چه رویکردی می‌تواند سبب تداوم ارزش‌های مکانی شود؟

پرسش‌های فرعی

۱. مفهوم ارزش‌های مکانی در میراث معماری چیست؟

۲. مؤلفه‌های تداوم در فرایند باززنده‌سازی میراث معماری با چه رویکردهایی می‌توانند سبب حفاظت و استمرار ارزش‌های مکانی شوند؟

درک و دریافت ارزش‌های مرتبط با تأثیرگذاری جغرافیای طبیعی بر اندیشهٔ انسان و کالبد اثر است. از آنجا که «مکان» متشکل از محیط طبیعی و مصنوع در کنار اعمال انسانی و معانی است^۵، مفهومی مجرد تلقی می‌شود به معنای قسمتی از یک فضا، و از طریق عناصری که در آن قرار دارند هویتی خاص می‌یابد، محور توجه در این پژوهش تعمق در بنیان‌های طبیعی^۶ و مؤلفه‌هایی است که مفهوم مکان را شکل می‌دهد و ارزش‌های مرتبط را ایجاد می‌کند. همچنین پژوهشگران، در تحقیق حاضر با تدقیق مفهوم «تداوم»، به دنبال استمرار این ارزش‌ها در فرایند باززنده‌سازی میراث معماری هستند. در بخش مطالعات نظری این مقاله، با بررسی اسناد و رویکرد نظریه‌پردازان مختلف و با اتکا به تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده، نگارندگان می‌کوشند مفاهیم تبیین و چارچوب مفهومی «باززنده‌سازی میراث معماری بر مبنای تداوم ارزش‌های مکانی» تدوین کنند تا بستر لازم برای حفاظت از ارزش‌های مکانی در جریان باززنده‌سازی میراث معماری فراهم شود؛ سپس با کمک نتایج مطالعات نظری، تحلیل داده‌های میدانی نمونهٔ پژوهش و مشاهدات بصری، به شناسایی بنیان‌های طبیعی تأثیرگذار بر شکل‌گیری میراث معماری چغازنبیل و احصای ارزش‌های مکانی آن پرداخته می‌شود. در پایان، مجموعهٔ داده‌های به‌دست‌آمده از مبنای نظری با هدف پاسخ‌گویی به پرسش‌های پژوهش مبنی بر اینکه «مفهوم ارزش‌های مکانی در میراث معماری چیست؟» و «مؤلفه‌های تداوم در فرایند باززنده‌سازی میراث معماری با چه رویکردهایی می‌توانند سبب حفاظت و استمرار ارزش‌های مکانی شوند؟» و مجموعهٔ داده‌های میدانی با هدف سنجش چارچوب مفهومی، طبقه‌بندی و تحلیل می‌شوند.

۱. پیشینهٔ تحقیق

با مروری بر ادبیات و پژوهش‌های پیشین دربارهٔ موضوع مقالهٔ حاضر روشن می‌شود که، علی‌رغم تأکید پژوهشگران حفاظت بر اهمیت تداوم حیات میراث معماری با رویکرد حفظ ارزش‌ها، پژوهشی در مورد «ارزش‌های مکانی» و چگونگی «تداوم» ارزش‌های میراث معماری انجام نشده است. به همین دلیل، با بررسی این منابع، دو دسته‌بندی کلی در نظر گرفته شده که در هر یک به‌طور جداگانه به مفاهیم «ارزش» و «تداوم» در قلمرو حفاظت از میراث معماری پرداخته و بر اهمیت آن تأکید شده است.

۵. نک:

E. Relph, *Place and Placelessness*.

۶. نک: محمدصادق فلاح و لایلا کمالی و صمد رشیدی، «نقش مفهوم حس مکان در ارتقای کیفیت حفاظت معماری».

۷. در اینجا منظور عناصر طبیعی بنیادین و تأثیرگذار در منطقه است.

۸. مهدی حجت، میراث فرهنگی در ایران: سیاست‌ها برای یک کشور اسلامی.
۹. نک: یوکا یوکیلتسو، تاریخ حفاظت معماری.
۱۰. نک: محمدرضا رحیمزاده و مهنام نجفی، «جایگاه درک ارزش‌های ماهوی اثر تاریخی در روند احیای آن».
۱۱. نک: پیروز حناچی و همکاران، «مدیریت ارزش‌گذاری در بافت‌های تاریخی با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی»: نمونه موردی: مطالعه در محور تاریخی خیابان لاله‌زار».
۱۲. نک: صمد سامانیان و همکاران، «واکوی تاریخی و انتظام زمانمند ارزش‌ها در حفاظت و مرمت آثار تاریخی- فرهنگی با استناد به آراء اندیشمندان و اسناد جهانی».
۱۳. نک: مریم شیروانی و همکاران، «بازشناسی ارزش و عوامل تأثیرگذار در دگرگونی دیدگاه‌های ارزشی در حفاظت از میراث فرهنگی در قرن حاضر».
۱۴. نک: L.G. Horlings, "Values in Place: A Value-oriented Approach toward Sustainable Place-shaping".
۱۵. نک: سهند لطفی، «پژوهشی درباره دگردیسی و پایایی در مرمت شهری».
۱۶. نک: فرهنگ مظفر و همکاران، «هستی‌شناسی مکان تاریخی».
۱۷. نک: مهران علی‌الحسابی و همکاران، «ارائه مدل مفهومی معنای مکان و شاخص‌های تداوم آن».
۱۸. نک: عفت صبحی و همکاران، «تداوم مکان در گذر زمان در تعامل با انسان».

بررسی تغییرات و دگرگونی‌های میراث معماری و مکان‌های تاریخی در طول زمان اختصاص یافته‌اند. از این منظر، پژوهشگران با اعتقاد بر اینکه تغییر و حرکت همواره در حال رخ دادن است، شاخص‌های هویتی میراث را در بستر تغییرات بررسی کرده‌اند. به‌طور مثال لطفی با نگرستن به ابعاد مختلف زمانی، پایایی و دگردیسی در شهر را به‌طور هم‌زمان می‌بیند که این دگردیسی همواره تداوم دارد^{۱۵}. در پژوهش‌های دیگری شاخص‌های تداوم معنای مکان و حضور هم‌زمان دو کیفیت پویایی و ثبات در ادراک این تداوم بررسی می‌شود. فرهنگ مظفر و همکاران هویت مکان تاریخی را در حرکتی مدام می‌دانند که نمی‌تواند از ثبات و بقا برخوردار باشد و دارای هویت «متغیر ثابت‌مدار» است.^{۱۶} علی‌الحسابی و همکاران در پژوهشی کیفیت‌های حاکم بر تداوم را «ثبات» و «تغییر» معرفی و بر این اساس شاخص‌های تداوم معنای مکان را مشخص می‌کنند، نتیجه پژوهش نشان می‌دهد که روابط بین اجزای مکان نقش بیشتری در ماندگاری و تداوم ذهنی معنای مکان دارد.^{۱۷} صبحی و همکاران نیز در پژوهش خود به تحلیل دگرگونی‌های مکان در گذر زمان و تداوم آن مکان در تعامل با انسان می‌پردازند و به انطباق دگرگونی‌های درک مکان با کسب آگاهی‌های جدید توسط انسان می‌رسند.^{۱۸} تحلیل دیدگاه این پژوهشگران مؤید اهمیت موضوع تداوم و استمرار حیات میراث معماری با حفظ کیفیت اصیل خود در طول زمان است. آن‌ها کوشیده‌اند وجود ارتباط بین گذشته و حال (هم از بعد کالبدی و هم غیرکالبدی)، ارتباط قابل‌شناسایی قبل و بعد از مداخله، استمرار در وجوه کیفی و کمی، و همچنین «تغییر و ثبات» را به‌منزله مؤلفه‌های مؤثر بر تداوم هویت اثر معرفی کنند، اما به چگونگی تداوم ارزش‌ها برای استمرار حیات میراث معماری نپرداخته‌اند.

گروه نخست پژوهش‌هایی هستند که به شناسایی، طبقه‌بندی، و ارزیابی ارزش‌های مرتبط با میراث فرهنگی و بررسی سیر و روند تکاملی شناخت ارزش‌ها اختصاص یافته‌اند. محققان در این پژوهش‌ها بیش از همه به طبقه‌بندی ارزش‌ها توجه کرده‌اند؛ مهدی حجت ارزش‌های میراث فرهنگی را منطبق با نظریات فیلدن طبقه‌بندی کرده است^۸ و فیلدن و یوکیلتو هر دو به ضرورت توجه به ارزش‌ها در اقدامات حفاظتی تأکید کرده‌اند.^۹ رحیمزاده و نجفی در پژوهش خود، بر اساس تفاوت بنیادین میان ارزش‌ها، آن‌ها را در دو گروه «ارزش‌های ذاتی» و «ارزش‌های عارضی» قرار می‌دهند و مؤلفه زمان را در شناسایی و درک ارزش‌ها اثرگذار می‌دانند.^{۱۰} در دهه ۱۳۹۰ ش حناچی و همکاران ارزش‌ها را کمابیش با همین روش طبقه‌بندی کرده و امر حفاظت را مبتنی بر شناخت و حفظ ارزش‌های اثر برشمرده‌اند.^{۱۱} همچنین پژوهشگران دیگری چون سامانیان و همکارانش^{۱۲} و شیروانی و همکارانش^{۱۳} در پژوهش‌های خود با تمرکز بر رویکرد ارزیابی به سیر تاریخی ارزش‌ها و انتظام زمانمند آن‌ها و عوامل مؤثر بر دگرگونی درک و دریافت ارزش‌ها پرداخته‌اند. در میان نظریه‌پردازان غرب، هورلینگز در مقاله خود برای بررسی ارزش‌ها، به چگونگی درک مکان، توسعه پایدار، و نقش فرهنگ در آن توجه می‌کند.^{۱۴} مطالعات متعددی در زمینه ارزش‌ها برای دستیابی به هدف پژوهش حاضر بررسی شدند، اما در این مقاله مجال پرداختن به همه آن‌ها نیست. این پژوهش‌ها در طول زمان، تحول نگرش به ارزش‌ها را به‌دنبال داشته و تا این زمان سبب شکل‌گیری دانش ارزش‌گذاری و گسترش شناسایی ارزش‌های متعدد شده‌اند. محققان مقاله حاضر با رویکرد مشابه، به‌دنبال شناخت و احصای ارزش‌های مکانی با هدف ارتقای دانش ارزش‌گذاری، توسعه نگاه ارزش‌محور، و تکمیل طبقه‌بندی موجود از ارزش‌های شناسایی‌شده هستند.

گروه دوم پژوهش‌هایی با موضوع «تداوم» هستند که به

۲. روش تحقیق

در پژوهش پیش رو روش تحقیق کیفی و با راهبرد استدلال منطقی و به شیوه موردپژوهی است و کوشش می‌شود با تحلیل داده‌های کیفی گردآوری شده از مطالعات نظری، یافته‌های تحقیق به دست آید و سپس از راه استدلال منطقی، چارچوب مفهومی پژوهش شکل گیرد. هدف اصلی از این پژوهش «تدقیق مفهوم ارزش‌های مکانی در میراث معماری و چگونگی تداوم آن‌ها در فرایند باززنده‌سازی» است. بنابراین، با توجه به هدف پژوهش، ابتدا به بررسی متون و رویکرد نظریه‌پردازان در ارتباط با مفاهیم پژوهش پرداخته می‌شود تا با بازخوانی و واکاوی اسناد و کنوانسیون‌های بین‌المللی، مفهوم «ارزش‌های مکانی» تبیین و تدقیق شود، سپس با روش موردپژوهی که مبتنی بر بررسی اسنادی^{۱۹} و مشاهده است، اطلاعات از نمونه موردی پژوهش جمع‌آوری و یافته‌های حاصل از مشاهده تحلیل می‌گردد. قلمروی مکانی تحقیق شهر دوراوتناش و محوطه میراث معماری چغازنبیل است.

۳. مبانی نظری

۳.۱. بیان مفاهیم از منظر اندیشمندان و اسناد

بررسی ادبیات مرتبط و نظریات پژوهشگران مختلف می‌تواند در شناخت و به‌کارگیری مفاهیم این پژوهش راهگشا باشد. مفاهیم «ارزش»، «مکان»، و «تداوم» از مفاهیم کلیدی تحقیق حاضر برای دستیابی به هدف پژوهش هستند. واژه باززنده‌سازی، به معنای از نو زنده کردن و دوباره به زندگی برگرداندن، دربرگیرنده همه اقداماتی (مرمت و احیا) است که سبب بازگرداندن دوباره اثر به زندگی امروز می‌شود. باززنده‌سازی ذاتی پویا دارد و نیازمند پژوهش و ارزیابی علمی-فنی است و حکایت از شناخت و تدبیر و طراحی‌ای دارد که بر طول زمان متکی است.^{۲۰} دیگری واژه «ارزش» است که از دهه ۱۹۸۰ به بعد، با عنوان عاملی اثرگذار بر سیاست‌های حفاظتی طرح

شده و از این زمان به امر حفاظت با رویکردی مبتنی بر ارزش توجه و بدان اقدام شده است، به طوری که در منشورها و اسناد بین‌المللی مختلف بر آن تأکید شده و حفاظت از میراث حفاظت از ارزش‌ها برشمرده شده است. برای نمونه در سند نارا ریشه حفظ و نگهداری از میراث فرهنگی در همه شکل‌ها و دوره‌های تاریخی در ارزش‌های میراث قلمداد می‌شود. هم‌زمان با پیشرفت و توسعه دانش حفاظت، ارزش‌های متعددی در عرصه حفاظت از میراث معماری و مکان‌های تاریخی شناسایی و طبقه‌بندی شد و پس از آن نیز مفهوم ارزش‌های ملموس و ناملموس، مفهوم نسبی ارزش با توجه به زمان، و بسترهای فرهنگی متفاوت شکل گرفت. پژوهشگرانی چون حناچی و رحیم‌زاده بر اساس نظریات براندی ارزش‌های شناسایی شده را، با توجه به مؤلفه زمان، در سه گروه مرتبط با زمان آن آفرینش اثر، مرتبط با دوران زندگی اثر، و مرتبط با زمان حاضر طبقه‌بندی کرده‌اند.^{۲۱} در پژوهش حاضر نیز با توجه به موضوع «تداوم ارزش‌ها»، طبقه‌بندی بر اساس زمان مبنا صورت گرفته است و به آن استناد می‌شود؛ زیرا واژه «ارزش» در طول زمان با دگرگونی بسترهای فرهنگی جوامع دگرگون می‌شود و در جریان تغییر و دگرگونی است که موضوع تداوم آن قابل تأمل است. در بیان مفهوم واژه «مکان»^{۲۲}، در فرهنگ لغات مختلف، نقطه‌ای خاص در سطح زمین تعریف شده که ارزش‌های انسانی در آن بستر شکل گرفته و رشد یافته است. در منشور بورا در تعریف «مکان» از جایگاه، چشم‌انداز، سرزمین، بنا، و مجموعه بناهایی که می‌تواند شامل اجزا، محتویات، و مناظر باشد، نام برده‌اند.^{۲۳} مکان از دیدگاه نظریه‌پردازانی چون رلف نیز متشکل از اشیای طبیعی و مصنوعی، فعالیت‌ها، عملکردها، و معانی است.^{۲۴} از این منظر فرهنگ، طبیعت، توپوگرافی، زمینه، اقلیم، نور، فرم، و درک بصری و لمسی، همه، مفهوم فضا را به تجربه مکان تبدیل می‌کنند.^{۲۵} با استناد به این دیدگاه‌ها، هستی‌کاالد معماری از بنیان‌های طبیعی، به‌مثابه بستری زاینده، و

۱۹. بررسی کتب، مقالات، پایان‌نامه‌ها، و سایت‌های معتبر و اسناد سازمان‌ها و نهادهای مرتبط با موضوع پژوهش.

۲۰. نک: محمدمنصور فلامکی، *باززنده سازی بناها و شهرهای تاریخی*.

۲۱. نک: حناچی و همکاران، همان؛ رحیم‌زاده و نجفی، همان.

22. Place

۲۳. نک:

Icomos, *The Australia ICOMOS Charter for Places of Cultural Significance*.

24. Relph, *ibid*, p. 56.

25. M. Azizkhani, "Between the Past and the Future: Philip Johnson's Design Thinking and Practice at GAI", p. 3.

از انسان، به مثابه عاملی سازنده و اندیشمند، برگرفته می‌شود و مفهوم «مکان»، در عرصه حفاظت، از اثرگذاری بنیان‌های طبیعی بر اندیشه انسان و ساختار معماری شکل می‌یابد. در مفهوم‌شناسی واژه «تداوم»^{۲۶} که در زبان فارسی به معنای «ماندگاری و جاودانگی در طول زمان» است و در فرهنگ لغات انگلیسی آکسفورد^{۲۷} به معنای «به مدت طولانی دوام آوردن بدون تضعیف کیفیت» است، می‌توان چنین دریافت کرد که واژه «تداوم» به معنای «دوام آوردن با حفظ کیفیت و ثبات در ذات» قابل درک است. اما، از آنجاکه دوام آوردن و ثبات در بستر زمان مفهوم می‌یابد و زمان، حرکت، و پویایی را با خود به همراه دارد، «پویایی» نیز چون «ثبات» یکی از مؤلفه‌های اصلی تبیین «تداوم» محسوب می‌شود. بنابراین، تداوم یافتن وابسته به حضور هم‌زمان «پویایی» و «ثبات» است. حال، پاسخ به این پرسش که یک پدیده در کدام اجزای خود پویاست و در کدام بخش باید ثبات داشته باشد تا هم از کیفیت آن کاسته نشود و هم در بستر زمان و جریان زندگی زنده و پویا بماند؟ اهمیت فراوانی دارد. برخی «ثبات» در روابط بین اجزا و «پویایی» در خود اجزای پدیده مورد نظر را در ادراک «تداوم» واجد اهمیت می‌دانند.^{۲۸} ارسطو نیز استمرار هویت یک شیء را منوط به بقای جوهر فردی شیء در حین تغییر می‌داند^{۲۹} و با پر محصول این استمرار را هویتی می‌داند که در مسیر تغییرات خود پایدار است.^{۳۰} بنابراین می‌توان گفت استمرار و تداوم هویت یک پدیده به حضور دو مؤلفه «پویایی و تغییر» و «ثبات و حفاظت» به‌طور هم‌زمان نیاز دارد.

کانت)، و زمان هندسی (به تعبیر برگسون) با مکان مرتبط شده است.^{۳۱} چنان‌که از نگاه محققان داخلی نیز هیچ شیئی را نمی‌توان فارغ از درآمیختگی‌اش با زمان تفسیر کرد.^{۳۲} به عقیده کانت در معرفت هیچ چیزی زمان و مکان از آن جدا نیست و هگل زمان را بعد از مکان در نظر می‌گیرد. ملاصدرا نیز معتقد است حرکت و زمان از عوارض خارجی ماده نیست؛ زیرا حرکت در جوهر و ذات ماده زمانمند است.^{۳۳} پس آنچه از واکاوی نظریات پژوهشگران و اندیشمندان مختلف برمی‌آید، تأکید بر پیوستگی مفاهیم «حرکت» و «تغییر» با «زمان» است و از آنجاکه ذات ماده و اشیا همواره در جوهر خود در حال حرکت و جنب‌وجوش است و این حرکت تغییر را به دنبال دارد و تغییر در ماده در مکانی به‌وقوع می‌پیوندد، مکان همواره با زمان در ارتباط است. از سوی دیگر، و بنابر آنچه گذشت، پویایی و حرکت مستمر ماده در بستر زمان در نهایت به تغییر و دگرگونی مکان می‌انجامد و از آنجاکه مفهوم «مکان» شکل گرفته از حضور سه عامل فضا، انسان، و کالبد است، این دگرگونی در هر سه بستر فضایی، انسانی، و کالبدی رخ خواهد داد. در بستر فضایی با دگرگونی‌های طبیعی، در بستر انسانی با تغییر و دگرگونی‌های فرهنگی-اجتماعی، و در بستر کالبدی با تغییر ساختار و عملکرد روبه‌رو خواهیم بود. بنابراین، تغییر و دگرگونی کالبد در طول زمان اجتناب‌ناپذیر و متأثر از تغییر و تحولات اجتماعی و فرهنگی زمانه و دگرگونی‌های طبیعی و اقلیمی است و وجه فضایی مکان، یا به تعبیری بنیان‌های طبیعی، نیز تحت تأثیر تغییرات اقلیمی، طبیعی، و انسانی قرار خواهند گرفت.

۳.۳. رویکردهای «کاهش خطر بلایا» و «توسعه پایدار» از منظر مدیریت تغییر

مواجهه با حقیقت دگرگونی و تغییر در طول زمان سبب شد در دو دهه اخیر مفهوم حفاظت را مدیریت تغییر یک مکان ارزشمند تعریف کنند. به نحوی که ارزش‌های میراثی اثر به

۳.۲. بیان مفهوم مکان از منظر زمانمندی و دگرگونی

مفهوم «مکان» از دیدگاه بسیاری از نظریه‌پردازان مفهومی زمانمند است. «زمان» به واسطه مفاهیم تغییر (به قول ارسطو)، تجربه (به قول لاک)، حرکت (به تعبیر نیوتن)، شهود (به قول

26. Durability

27. Oxford Dictionary

۲۸. نک: علی‌الحسابی، همان.

۲۹. وینسنت برومر، «سنت، تغییر و حفظ هویت»، ص ۴۶.

۳۰. نک:

Y. Salahaddin Baper. "The Role of Heritage Buildings in Constructing the Durability of Architectural Identity in Erbil City".

۳۱. صبوچی و همکاران، همان، ص ۹۸.

۳۲. نک: محمدتقی جعفری، حرکت و تحول از دیدگاه قرآن.

۳۳. حسن ملک‌شاهی، حرکت و استیفای اقسام آن، ص ۲۱.

آمدن زیان‌های گستردهٔ زیست‌محیطی، اقتصادی، کالبدی، و انسانی می‌شود.^{۴۱} بلا معمولاً تا جایی گسترش می‌یابد که نه‌تنها بر مردم و اموال آنها اثر می‌گذارد؛ بلکه بر ارزش‌های تاریخی آثار میراث جهانی و متعلقات و اکوسیستم آنها نیز تأثیر دارد.^{۴۲}

کاهش خطر بلایا: اقداماتی است که از طریق تلاش‌های روش‌مند برای بررسی و کاهش عوامل مسبب بلایا انجام می‌شود (در «ت ۱» فرایند ارزیابی خطر برای تعیین راهکارهای کاهش خطر نشان داده شده است).

مدیریت خطر: فرایندی است که به شناسایی، ارزیابی، و تحلیل و بررسی آسیب احتمالی در بافت یا سایت تاریخی می‌پردازد و استراتژی‌های کاهش خطر بلایا را به جهت کاستن از میزان خطر توسعه می‌دهد.^{۴۳}

از سوی دیگر، با بحث روزافزون بر سر تغییرات آب‌وهوایی و گرم شدن کرهٔ زمین و برشمردن آن در زمرهٔ بلایای طبیعی و به میان آمدن رویکرد کاهش خطر، حفاظت با عنوان فرایند «توسعهٔ پایدار» در شهرهای تاریخی طرح شد. این اصطلاح در سال ۱۹۸۷ در کمیسیون بین‌المللی محیط زیست و توسعه^{۴۴} پیشنهاد شده بود، توسعهٔ پایدار توسعه‌ای تعریف می‌شود که نیازهای مردم کنونی را بدون از بین بردن توانایی نسل‌های آینده در برآوردن نیازهایشان برطرف می‌کند.^{۴۵} به‌این ترتیب، در دهه‌های گذشته، پایداری به‌طور فزاینده‌ای در سیاست‌های میراث جهانی پذیرفته شد. به‌طوری‌که در سال ۱۹۹۴ در دستورالعمل‌های عملیاتی برای اجرای کنوانسیون میراث جهانی برای اولین بار به «استفادهٔ پایدار» از مناظر فرهنگی اشاره شد و اخیراً در سال ۲۰۱۵ نیز کمیتهٔ میراث جهانی «سیاست ادغام چشم‌انداز توسعهٔ پایدار در فرایندهای

بهترین شکل پایدار بماند و فرصت‌هایی به‌منظور شناسایی و غنا بخشیدن به ارزش‌ها برای نسل‌های حال و آینده وجود داشته باشد.^{۴۶} به‌این ترتیب، در گام نخست، پایداری ارزش‌های مکانی وابسته به کنترل و مدیریت تغییراتی است که می‌تواند خاستگاه‌های متفاوت طبیعی و یا فرایندهای انسانی داشته باشند؛ چراکه پویایی و تغییر اگر ناشی از بلایای طبیعی و مداخلات نامناسب انسانی باشد، می‌تواند تهدیدی جدی برای ارزش‌های میراث معماری محسوب شود. بر این اساس، یونسکو در سال ۲۰۱۰ با همکاری سه نهاد مشورتی ایکروم^{۴۷}، ایکوموس^{۴۸}، و اتحادیهٔ بین‌المللی حفاظت از طبیعت^{۴۹} و مرکز میراث جهانی استراتژی‌هایی برای مدیریت کاهش خطر بلایا در میراث جهانی تعیین کرد که، بر اساس اولویت‌های کاری، سند هیوگو تنظیم شدند.^{۴۸} در سال ۲۰۱۵ نیز سندی با عنوان چارچوب سندی برای کاهش خطر بلایا (۲۰۱۵ - ۲۰۳۰) در سندی ژاپن تصویب شد. در این سند برای نخستین بار، به‌طور مستقیم، از برنامه‌ریزی کاهش خطر برای حفاظت از میراث فرهنگی سخن به میان آمد. تعاریف واژگان مرتبط با مدیریت و کاهش خطر بلایا در سازمان‌های مرتبط چنین است:

خطر: رویداد، پدیده، و یا فعالیت انسانی بالقوه و مخرب فیزیکی است که ممکن است منجر به از دست دادن جان و یا زخمی شدن، تخریب ساختمان‌ها، بی‌نظمی و اختلال در سیستم‌های اجتماعی و اقتصادی، انحطاط، و فروپاشی محیطی گردد. خطرهای می‌توانند دارای انواع علل طبیعی یا شامل فرایندهای انسانی باشند.^{۴۹} خطر یک پدیدهٔ طبیعی مانند زلزله یا گردباد است که پتانسیل ایجاد اختلال و خرابی در آثار فرهنگی را دارد.^{۴۰}

بلا: اختلالی جدی در عملکرد یک جامعه است که سبب به‌وجود

34. *English Heritage*, p. 7.

35. ICCROM

36. ICOMOS

37. IUCN

۳۸. در کتاب مدیریت خطر بلایا برای میراث جهانی روشی برای شناسایی، ارزیابی، و کاهش خطر بلایا بیان شده است و بر پایهٔ این روش چگونگی تهیهٔ یک طرح (Digital rights management) مدیریت حقوق دیجیتال توضیح داده شده که هدف آن کمک به مدیران سایت‌های میراث تاریخی- فرهنگی برای کاهش خطرات بلایای طبیعی و انسانی است.

39. National Commissions for UNESCO: annual report, 2015.

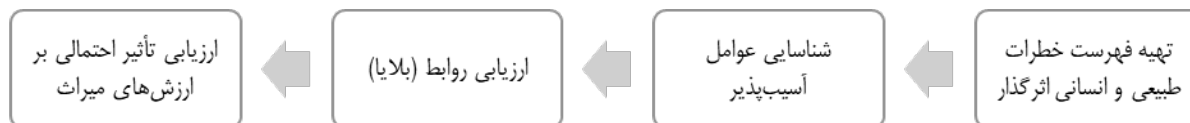
40. Ibid.

۴۱. سازمان ملل متحد، چارچوب سندی برای کاهش خطر بلایا، (۲۰۱۵-۲۰۳۰)

42. The World Heritage Centre of UNESCO, ICCROM, ICOMOS, IUCN; *Managing Disaster Risks for World Heritage*; United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization, 2010.

43. Ibid.

ت ۱. فرایند ارزیابی خطر، مأخذ: The World Heritage Centre of UNESCO, ICCROM, ICOMOS, IUCN; *Managing Disaster Risks for World Heritage*; United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization, 2010, p. 26.



کنونسیون میراث جهانی»^{۴۶} را تصویب کرد. این امر انسجام سیاست را با دستور کار سازمان ملل متحد برای توسعه پایدار تضمین می‌کند و چگونگی کمک میراث جهانی به سه بعد کلیدی توسعه پایدار را نشان می‌دهد: پایداری زیست‌محیطی، توسعه اجتماعی- فرهنگی، و توسعه اقتصادی.

۴. یافته‌های حاصل از مطالعات نظری

۱.۴ تبیین مفهوم، شاخص‌ها، و ابعاد ارزش‌های مکانی

از جمع‌بندی مباحث پیشین چنین برمی‌آید که از ارتباط و اثرگذاری متقابل میان مؤلفه‌های شکل‌دهنده به مفهوم «مکان» (یعنی فضا، انسان، و کالبد) ارزش‌های مکانی شکل می‌گیرند و شاخص‌های ارزش مکانی نیز بر اساس این مؤلفه‌ها به ترتیب بنیان‌های طبیعی، اندیشه ساخت، و کالبد معماری خواهد بود. با توجه به شاخص‌ها و تأثیرگذاری و ارتباط میان آن‌ها (یعنی تأثیر جغرافیای طبیعی شامل عناصر طبیعی و توپوگرافی و بستر استقرار «بر کالبد» در شکل‌گیری فرم و ساختار معماری و به‌کارگیری نوع مصالح و منظر طبیعی اثر و «بر انسان» در انتخاب عملکرد و اندیشه طراحی و اندیشه اجرا و خلق معنا)، ارزش‌های مکانی در ابعاد ساختار، عملکرد، معنا، و منظر میراث معماری قابل‌شناسایی و احصا خواهند بود.

۲.۴ چارچوب مفهومی باززنده‌سازی میراث معماری بر مبنای تداوم ارزش‌های مکانی

با توجه به اصل تداوم یک پدیده که حضور پویایی (تغییر) و ثبات (حفاظت) در آن پدیده است، از یک سو، بقا و استمرار حیات میراث معماری نمی‌تواند بدون حرکت و پویایی باشد و تنها در این صورت است که می‌توان قائل به تداومی در زندگی آن شد و از سوی دیگر، مانایی و ثبات در ذات اصیل اثر را می‌طلبد. بنابراین، از آنجاکه پویایی و تغییر در کالبد

میراث معماری، اندیشه انسان، و بنیان‌های طبیعی (به‌منزله شاخص‌های ارزش مکانی) در طول زمان اتفاق می‌افتد، مانایی و حفاظت باید در ارتباط و پیوستگی میان اثر با بنیان‌های طبیعی و اندیشه ساخت رخ دهد تا تداوم و استمرار برقرار شود. در چنین شرایطی است که «پویایی و تغییر» در خود شاخص‌ها یا عناصر و «ثبات و حفاظت» در روابط میان آن‌ها متضمن استمرار حیات میراث معماری و تداوم ارزش‌های مکانی آن در بستر زمان خواهد بود. حال، در فرایند باززنده‌سازی میراث معماری که در زمانه حاضر و با اندیشه‌های نسلِ مواجه با اثر اتفاق می‌افتد، چگونگی کاربست دو مؤلفه «حفاظت» و «پویایی» برای دستیابی به هدف تداوم ارزش‌ها مقوله‌ای مهم است. موضوعی که تاکنون نیز در اقدامات باززنده‌سازی محل گفتگو و اختلاف‌نظر متخصصان بوده و معیاری برای ارزیابی اقدامات و مداخلات صورت‌گرفته و سنجش میزان مؤفقت طرح‌های باززنده‌سازی در حفاظت از ارزش‌ها و یا پویایی اثر در زندگی امروز وجود نداشته است. به این ترتیب، انتخاب رویکردهایی که در جریان باززنده‌سازی هم به حفاظت و هم به پویایی اثر بیانجامد اهمیت فراوانی می‌یابد. مدل مفهومی «باززنده‌سازی میراث معماری بر مبنای تداوم ارزش‌های مکانی» در «ت ۲» ارائه شده است. این مدل مفهومی نمایانگر الگویی برای فرایند باززنده‌سازی میراث معماری بر مبنای حفاظت و تداوم ارزش‌های مکانی است. بر این اساس رویکرد باززنده‌سازی باید بر مبنای اصل تداوم، یعنی مبنی بر حضور هم‌زمان دو مؤلفه «حفاظت» و «پویایی»، باشد. از این رو، با توجه به اینکه «حفاظت» باید از رابطه میان شاخص‌های مکانی (رابطه میان بنیان‌های طبیعی با کالبد معماری و با اندیشه ساخت) صورت گیرد و این رابطه در ساختار (طراحی، سازه، و مصالح)، عملکرد (عملکرد اصلی و عملکرد ریزفضاها)، منظر طبیعی (پیوستگی عناصر طبیعی و کالبد)، و معنا (اعتقادات و باورها، پیوستگی عناصر طبیعی، و عملکرد) قابل‌شناسایی است، باید در گام

44. WCED: World Commission on Environment and Development

۴۵. جوی پالمر، آموزش محیط زیست در قرن بیست و یکم، ص ۹۸.

46. National Commissions for UNESCO: annual report, 2015.

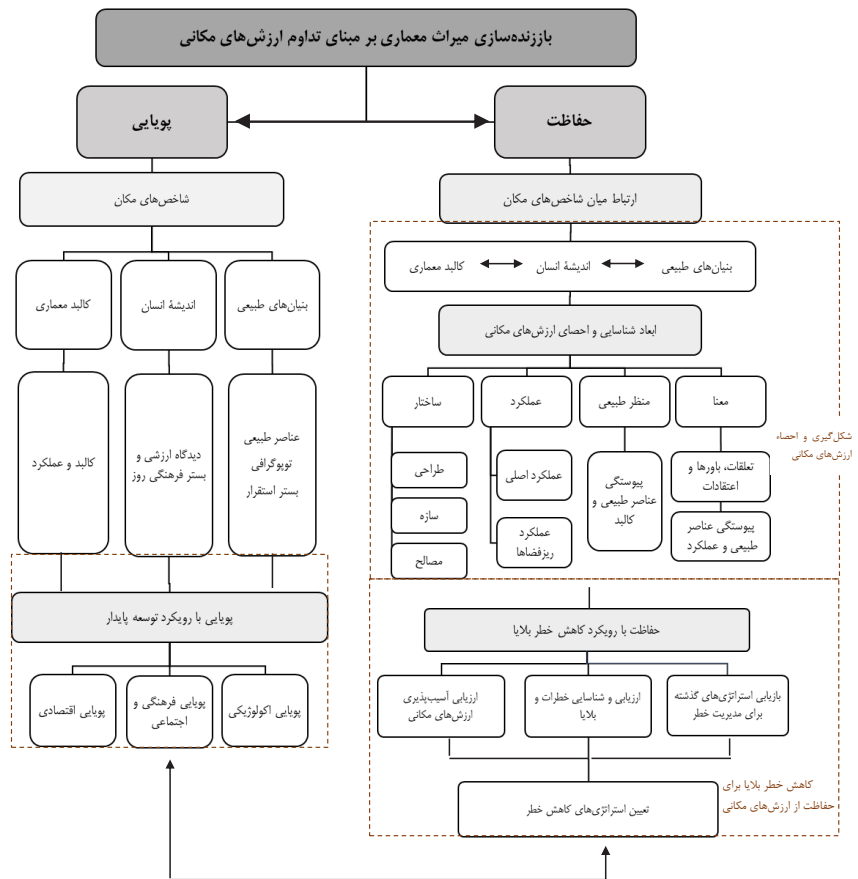
برای مدیریت تغییرات اجتناب‌ناپذیر و ایجاد پویایی به‌مثابه مؤلفه دیگر تداوم، باید رویکردی را انتخاب و پیش رو قرار داد که تغییرات را به سمت توسعه حفاظت‌محور مدیریت کند. رویکرد توسعه پایدار، به‌منزله رویکردی که به توسعه محیط زیست، توسعه اقتصادی، و توسعه فرهنگی-اجتماعی توجه دارد، هم شاخص‌های ارزش مکانی را در بر می‌گیرد و هم شاخص‌های تأثیرگذار در باززنده‌سازی اعم از اقتصاد، فرهنگ و اجتماع را برای پویا بودن در جریان زندگی امروز مد نظر قرار می‌دهد. برای تدقیق چارچوب مفهومی پژوهش، نمونه موردی تحقیق بر مبنای شاخص‌های ارزش مکانی، مؤلفه‌های تداوم، و فرایند باززنده‌سازی بر اساس دو رویکرد پیشنهادی تحلیل و ارزیابی می‌شود. شهر تاریخی دوراوتناش و میراث معماری چغازنبیل، به‌دلیل دارا بودن معیارها و شاخص‌های ارزش مکانی غنی و قابل تحلیل، انتخاب شده است و نه با هدف بازشناخت مجموعه و همه ارزش‌های مرتبط با آن، که بررسی و تحلیلی وسیع و فضایی گسترده می‌طلبد.

۵. بررسی نمونه موردی و یافته‌های حاصل از مطالعات میدانی

همان‌طور که اشاره شد، انتخاب «میراث معماری چغازنبیل» برای نمونه مطالعاتی پژوهش، با توجه به پیوند ناگسستنی آن با جغرافیای طبیعی و وجود ارزش‌های مکانی غنی انجام گرفته است. درک ارزش‌های مکانی شهر تاریخی دوراوتناش و معبد چغازنبیل مستلزم شناخت و فهم نظام طبیعی و جغرافیایی منطقه مورد نظر است. بنابراین، با نظر به هدفی که از بررسی نمونه موردی در این پژوهش دنبال می‌شود، ابتدا به شناخت بنیان‌های طبیعی اثرگذار بر شهر دوراوتناش و میراث معماری چغازنبیل پرداخته می‌شود.

نخست ارزش‌های مکانی نهفته در این ابعاد را احصا کرد. برای حفاظت از این ارزش‌های مکانی به شناسایی خطرات احتمالی، وقوع بلایای ناشی از خطرات، عناصر آسیب‌پذیر، و میزان آسیب‌پذیری عناصر نیاز است که می‌توان با اتخاذ رویکرد کاهش خطر بلایا به ارزیابی همه موارد پرداخت. رویکردی که می‌تواند سبب پیشگیری و کاهش وقوع بلایا شود و با تهیه و تدوین طرح‌های مدیریت خطر، به شناسایی، ارزیابی، تحلیل، و بررسی آسیب احتمالی در میراث معماری پردازد و استراتژی‌های کاهش خطر بلایا را، به‌دلیل کاستن از میزان خطر و حفاظت از ارزش‌های نهفته، توسعه دهد. از سوی دیگر،

ت ۲. مدل مفهومی باززنده‌سازی میراث معماری بر مبنای تداوم ارزش‌های مکانی. طرح و پژوهش: نگارندگان.



شکل‌گیری و احصای ارزش‌های مکانی

۵.۱. جغرافیای طبیعی سرزمین عیلام

در میان آن‌ها که محل جریان رودخانه‌ها و جایگاه مناسبی برای رسوب‌گذاری بودند، بهترین مکان را برای کشاورزی ایجاد کرده بود. پوشش گیاهی متنوع و بیشه‌های انبوهی در دو سوی رودهای دز و کرخه وجود داشت و نقوش روی سفالینه‌های به‌دست‌آمده از شوشان نشان از تنوع گیاهی و جانوری منطقه دارند. برای ساخت سفال، خشت و آجر، و بیشه‌زار منبع تأمین چوب برای سوخت مورد نیاز و سواحل رود منبع تأمین خاک مناسب بود^{۴۸}. به‌این‌ترتیب، پایداری زمین و بلندی آن ایمنی را برای استقرار، و آب رود زمین حاصلخیز را برای تأمین معاش عیلامیان فراهم کرد و نوع استقرار بین دشت و کوه به آن‌ها امکانات زیادی برای زندگی در طول تاریخ داد. پیوند میان جلگه حاصلخیز و قابل‌آبیاری و بیشه‌زارها برای تأمین چوب از عوامل مؤثر در استقرار عیلامیان و شکل‌گیری شهر دوراوتناش و معبد چغازنبیل بود. در «ت ۳» بافت جغرافیایی محدوده شهر دوراوتناش و موقعیت قرارگیری معبد چغازنبیل مشاهده می‌شود.

تمدنی باستانی با نام «عیلام» از حدود ۲۹۰۰ پیش از میلاد تا ۶۴۶ پیش از میلاد در پهنة گسترده‌ای از غرب تا جنوب غرب و جنوب ایران مستقر بوده است. درباره وجه تسمیه نام عیلام در کتاب *باستان‌شناسی ایلام* آمده است: «این نام را کاتبان سومری به سرزمین‌های بلند شرق بین‌النهرین داده بودند که با شیوة منطقی آنجا را سرزمین بلند می‌خواندند»^{۴۷}. بنابراین، در همین ابتدای امر با وجه تسمیه نام «عیلام»، که از جغرافیای منطقه برآمده است، روبه‌رو هستیم. «انسان» در ارتفاعات و «شوش» در دشت‌های جلگه‌ای زاگرس، که جلگه‌هایی حاصلخیز هستند، دو زیستگاه مهم عیلامی‌ها بودند. منطقه شوش از جمله مناطق پایداری بود که زندگی در آن در طول زمان تداوم یافت؛ زیرا بر روی تاق‌دیس‌هایی (برآمدگی‌هایی) قرار داشت که، از نظر زمین‌شناسی، استحکام آن‌ها را در برابر طغیان رودخانه‌های منطقه تضمین می‌کرد. همچنین وجود ناودیس‌ها



۴۷. دانیل توماس پاتس، *باستان‌شناسی*

ایلام، ص ۳۲.

۴۸. محمدحسن طالبیان، *نقش مفهوم*

اصالت در حفاظت محوطه‌های میراث

جهانی دوراوتناش برای حفاظت مبتنی

بر اصالت، ص ۲۸۶.

ت ۳. بافت جغرافیایی محدوده شهر

تاریخی دوراوتناش و چغازنبیل،

مأخذ: مرکز اسناد پایگاه میراث

جهانی چغازنبیل.

۲.۵. بنیان‌های طبیعی تأثیرگذار بر ساختار شهر دوراوتناش و مجموعه معماری چغازنبیل

شهر دوراوتناش در بخش کوچکی از پهنه زاگرس چین‌خورده قرار دارد که، به دلیل وجود نهشته‌های نرم‌فرسا و سازندهای سخت‌شده دوره‌های مختلف زمین‌شناسی، ریخت‌شناسی ویژه‌ای بر آن حاکم است. پادشاه عیلام این شهر قرن پیش از د در عتی حدود ۱۰۰ هکتار بنا کرد،^{۴۹} شهری مذهبی که شکل طبیعی منطقه و رود در شکل‌گیری فرم آن مؤثر بوده است. بنابر بررسی‌ها، معماری و شهرسازی این شهر با محاسبات دقیق و از پیش طراحی‌شده بنا شده و مکان‌یابی آن به نحوی بوده است که بر روی بلندترین نقطه ارتفاعی (تاقدیس سردارآباد^{۵۰}) این دشت ابرفتی قرار گیرد و به سرتاسر دشت اشراف داشته باشد.^{۵۱} فضاهای این شهر با سه حصار متحدالمرکز تفکیک شده‌اند که در مرکز آن‌ها زیگورات بزرگ چغازنبیل قرار دارد که طرح آن مربعی‌شکل و زوایای آن به سوی جهات اربعه است. حصارها به تبعیت از شکل زمین، بدون تقارن و در فواصل نامساوی، شهر را به سه منطقه تقسیم کرده و به تبعیت از تپه‌ها خط سیر مناطق را شکل داده‌اند و همچنین ضلع شمالی حصار سوم به ناهمواری سردارآباد تکیه دارد.^{۵۲} مصالح معماری یعنی خشت و آجرهای به‌کاررفته در این معبد، علی‌رغم فرسایش‌های محیطی و گذشت زمان،

۴۹. نک: ندا بهاروند و همکاران، «بررسی زمین ساخت فعال در تاقدیس سردارآباد و اثر آن بر معبد چغازنبیل».
۵۰. تاقدیس سردارآباد با طول ۱۳۷۵۰ متر و عرض ۱۵۰۰ متر و با راستای شمال غربی - جنوب شرقی در جنوب غربی هفت‌تپه قرار دارد.
۵۱. نک: رومن گریشمن، چغازنبیل.
۵۲. انوش ساکی‌پور، طراحی و مرمت محیطی منظر فرهنگی چغازنبیل، ص ۳۸.
۵۳. منیژه هادیان دهکردی، «نقش آنالیزهای فیزیکی و شیمیایی مالت در تعیین اصالت کالبدی بناهای تاریخی: مطالعه موردی: زیگورات چغازنبیل»، ص ۳۳.
۵۴. نک:

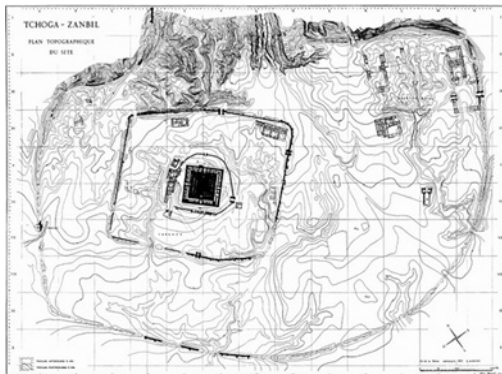
B. Mofidi-Nasrabadi, et al, "Elam and its Neighbors: Recent Research and New Perspectives".

ت ۴ (راست). بافت جغرافیایی محدوده مورد مطالعه و موقعیت معبد و عناصر طبیعی، مأخذ: مرکز اسناد پایگاه میراث جهانی چغازنبیل.

ت ۵ (چپ). توپوگرافی شهر دوراوتناش و وضعیت استقرار معبد نسبت به تاقدیس سردارآباد، مأخذ: مرکز اسناد پایگاه میراث جهانی چغازنبیل.

همچنان استحکام و سختی خوبی دارند که از دلایل آن وجود مقادیر کافی کانی در خاک اولیه ساخت و ترکیباتی است که به‌طور طبیعی به‌همراه رسوبات رسی رودخانه‌ای یافت می‌شوند. درواقع، وجود مقادیر کافی کانی در خاک اولیه باعث شده که آجرها استحکام و سختی بیشتری داشته باشند.^{۵۳} همچنین، برای مقاوم‌سازی بنا در مقابل باران‌های زمستانی، پوششی از آجرهای پخته به ضخامت یک متر و نیم بر روی هسته خشتی زیگورات ایجاد و از ملات گچ و قیر نیز در نقاط حساس استفاده شده است^{۵۴} و همه این تمهیدات برای بنای معبدی به کار رفته‌اند که، به سبب مقدس بودن و جایگاه خدایان، باید استحکام و ماندگاری داشته باشند. در «ت ۴ و ۵» توپوگرافی محدوده مورد مطالعه و موقعیت قرارگیری معبد نسبت به عناصر طبیعی پیرامون نشان داده شده است. همچنین در آن‌ها امتداد حصار سوم در ضلع شمالی مجموعه، که با تکیه بر تاقدیس سردارآباد شکل گرفته، قابل مشاهده است. وجود تاقدیس و تپه‌ها در پشت حصار ضلع شمالی سبب هدایت و جاری شدن نزولات آسمانی به سمت رودخانه می‌شود، همچنین، مانند یک سد طبیعی در برابر رودخانه، شهر و مجموعه معماری آن را از خطر سیل در امان نگه می‌دارد.

اما تهدید سیل از سوی رودهای دز و کرخه، تغییرات میزان آب در فصول مختلف، و بالا بودن زمین‌های کشاورزی



بودن در کوه‌های مقدس همواره در سراسر جهان باستان وجود داشت، به همین دلیل، عیلامی‌ها سرزمین خود را «هاتمتی» خوانده‌اند که این کلمه از دو قسمت «ها» به معنی سرزمین و «تمتی» به معنی مقدس یا خدایان تشکیل گردیده و در مجموع به معنی «سرزمین مقدس» یا «سرزمین خدایان» است.^{۵۵} معبد چغازنبیل یا معبد اصلی شهر دوراوتناش، که همان زیگورات (برج مطبق) شهر است، برای پرستش دو خدای اینشوشینک (مهم‌ترین خدای ساکنین دشت خوزستان) و نپیریشا (مهم‌ترین خدای ساکنین ارتفاعات) ساخته شده است و بر برخی از آجرهای آن حک شده است:

من اوتناش ناپریشا، پسر هوبانومنا، شاه انزان و شوش، به خدای ناهونته (خدای خورشید) نماز گزاردم. آن را در مکان مقدس قرار دادم.^{۵۶}

معماری معابد و رابطه آن با طبیعت از جمله رویکردهای طبیعت‌گرایانه با نگاه مقدس به معبد است. محل معابد در

نسبت به تراز رودخانه باعث شد که انسان آن روزگار به فناوری ساخت سازه‌های آبی برای دفع آب‌های سطحی نیز دست یابد. در واقع بستر رودخانه‌های این دشت اغلب رسوبی و سطح آب از زمین‌های اطراف پایین‌تر است و با توجه به این وضعیت، تأسیسات و سازه‌هایی در اطراف شهر دوراوتناش و در جوار حصارها برای هدایت آب‌های سطحی از داخل شهر و مجموعه به سمت بیرون حصار ساخته شد. این تأسیسات شامل نودان‌ها، چاه‌های جذبی، و سازه‌های آبی است که تنها یکی از آن‌ها در ضلع شمال‌غربی حصار سوم سالم باقی مانده است (ت ۶ و ۷ و ۸).

۳.۵. بنیان‌های طبیعی تأثیرگذار بر آیین و مذهب در شهر دوراوتناش و مجموعه معماری چغازنبیل

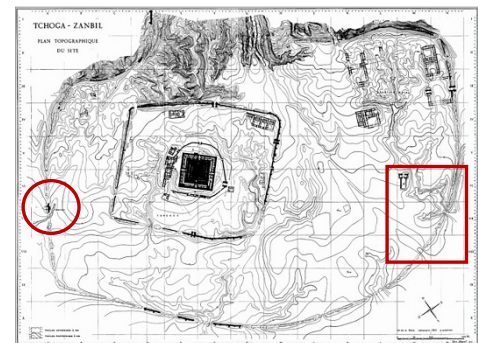
در جوامع باستانی همواره بلندترین و مرتفع‌ترین بناها معابد بودند که در نقاط پایدار ساخته می‌شدند. تفکر جایگاه خدایان

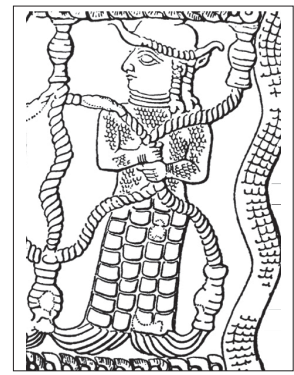
۵۵. عزت‌الله نگهبان، حفاری هفت‌تپه دشت خوزستان، ص ۲۴.
۵۶. همان، ص ۲۶.

ت ۶ (راست، بالا). سازه آبی واقع در ضلع شمال‌غربی معبد چغازنبیل، عکس: مرکز اسناد پایگاه میراث جهانی چغازنبیل.

ت ۷ (راست، پایین). موقعیت سازه‌های آبی (زهکش‌ها) حصار سوم در ضلع شرقی (علامت مستطیل) و شمال‌غربی (علامت دایره) چغازنبیل، مأخذ: مرکز اسناد پایگاه میراث جهانی چغازنبیل.

ت ۸ (چپ). موقعیت قرارگیری سازه آبی حصار سوم واقع در ضلع شمال‌غربی نسبت به معبد چغازنبیل، عکس: مرکز اسناد پایگاه میراث جهانی چغازنبیل.





ت ۹. الههٔ آب، قسمتی از لوح سنگی اوتناشگال، ۱۳۰۰ ق.م، شوش، مأخذ: پرادا و همکاران، هنر ایران باستان، تمدن‌های پیش از اسلام، ص ۸۱.

57. B. Afkhami, "Phenomenology of Choghazanbil Zigurat", p. 9.
 ۵۸. نک: سینا عباسلو و منوچهر پورمیرزا، «دو آجرنبشتهٔ نویافتهٔ ایلامی در دشت شوشان».
 ۵۹. مریم ابراهیمی پور و احمد نادعلیان، «بازتاب باورهای مرتبط با آب در آثار هنری ایلامیان»، ص ۸۵.
 ۶۰. مجیدزاده، ۱۳۷۱: ۸۱.
 ۶۱. ساکی پور، ۱۳۷۸: ۴۵.

بسیاری از ادیان بر اساس موقعیت جغرافیایی تعیین شده است و خصوصیات فضای مقدس بر اساس ویژگی‌های طبیعی و همچنین با نظر به برخی از عناصر مانند آب، کوه، و خورشید انتخاب شده است.^{۵۷} در سال‌های اخیر با کشف استقرارها و مکان‌های مذهبی دیگر (محوطهٔ دهنو) در نزدیکی دوراوتناش، جغرافیای طبیعی این منطقه به‌مثابهٔ بستری مستعد برای شکل‌گیری شهرهای مذهبی باستانی، بیش از پیش برجسته می‌شود. در تپهٔ دهنو، واقع در ۲۰ کیلومتری غرب هفت‌تپه و ۷ کیلومتری رود دز و شهر باستانی دوراوتناش، آجرنبشته‌ای به زبان اکدی و خط ایلامی میانه به‌دست آمده که مربوط به پادشاه ایلامی است و به مرمت و بازسازی معبدی برای ایزدبانو اشاره دارد.^{۵۸} و گویای وجود معبدی در لایه‌های تاریخی دوران ایلامی آن است. نمونهٔ این آجرنبشته در چغازنبیل نیز به‌دست آمده که به ساخت معبد بلند اشاره کرده است. ارتباط میان شهر دوراوتناش و دهنو و مکتوب کردن عمل ساخت و مرمت معبد و نام بردن از مکانی مقدس و بلند گویای اهمیت این منطقه به‌لحاظ ویژگی‌های طبیعی آن برای شکل‌گیری یک شهر مذهبی و آیینی است. بنابراین، «عیلام» به‌معنای سرزمین مرتفع و «هاتمی» به‌معنای سرزمین مقدس دربرگیرندهٔ عناصر طبیعی مقدسی چون کوه، بیشه‌زار، رود، و دشت انتقال‌دهندهٔ مفاهیم ذهنی، معنایی، و اعتقادی انسان آن روزگار هستند. آب نیز، چون کوه، نمادی از تقدس و حیات بود و از آنجاکه انسان باستانی برای عوامل اثرگذار در جریان زندگی خود خدایانی در نظر گرفته بود، ایزد آب‌ها نیز جایگاه والایی داشت.^{۵۹} نمونهٔ این الهه در عیلام به‌صورت زنی که نیمی از بدنش جریان آب است، در لوح سنگی اوتناشگال به چشم می‌خورد (ت ۹). نمایش کوه به‌صورت فلس ماهی یک سنت بسیار کهن در میان هنرمندان بین‌النهرین است، اما پاهای الهه‌ها در سنگ یادمان اوتناشگال به‌صورت دو رشتهٔ آب از زیر دامن آن‌ها در دو سمت مخالف جریان می‌یابند. این رشته آب‌ها درواقع دو

چشمهٔ آب را نشان می‌دهند که از دامنهٔ کوه خارج می‌گردند.^{۶۰} این آثار کارکردی مذهبی و آیینی داشته‌اند و نه تنها نقش آب و کوه را به‌منزلهٔ عنوان عناصر حیات‌بخش و مقدس در این شهر نشان می‌دهند، بلکه جایگاه و تأثیر آن‌ها را در هنر عیلامی نیز به نمایش می‌گذارند.

۴.۵. بنیان‌های طبیعی تأثیرگذار بر منظر طبیعی شهر دوراوتناش و مجموعهٔ معماری چغازنبیل

همان‌طور که پیش‌تر شرح داده شد، رودخانهٔ دز یکی از مهم‌ترین عناصر تأثیرگذار بر شکل‌گیری این شهر است. این رودخانه در محدودهٔ مورد نظر در اثر برخورد با موانع تغییر مسیر داده و وجود برکه‌های هلالی با نهشته‌های سیلابی حاشیهٔ آن‌ها خاک‌های زراعی مرغوبی را تشکیل داده است.^{۶۱} و سبب ایجاد بیشه‌زارها و جنگل‌های طبیعی در سطح نسبتاً وسیعی شده است. جنگل‌های دز و کرخه بازماندهٔ جنگل‌های وسیعی هستند که در گذشته تا بین‌النهرین نیز امتداد داشته‌اند، اما به‌مرور و بر اثر عوامل طبیعی و غیرطبیعی از دست رفته‌اند. امروز منظر طبیعی پیوسته با شهر دوراوتناش و میراث معماری چغازنبیل شامل رود، بیشه‌زار، دشت، تپه‌ها، و ارتفاعات به‌جامانده از گذشته است. «ت ۱۰» وضعیت ژئومورفولوژی و پیوستگی چشم‌انداز رود، بیشه‌زار، ارتفاعات، و مجموعهٔ شهر را نشان می‌دهد.

۶. تحلیل یافته‌ها با بررسی ابعاد ارتباطی شاخص‌ها و ابعاد احصای ارزش‌های مکانی

در مطالعات میدانی با بررسی ویژگی‌های جغرافیای طبیعی منطقه و ساختار کالبدی شهر دوراوتناش و میراث معماری آن (ضمن مطالعهٔ اسناد تاریخی) همهٔ داده‌ها به روش مشاهدهٔ مستقیم ثبت شد و پس از آن، داده‌ها و نتایج مشاهدات میدانی با دیگر پژوهش‌های مرتبط موجود تطبیق و همسنجی شد

و معماری معبد نقش مهمی داشته است، ۶) با قرار دادن شهر در تراز ارتفاعی بالاتر سبب ایجاد مهارتی برای تعامل با طبیعت و دفع آب‌های سطحی با ساخت تأسیسات شهری شده است، ۷) ساختار شهر و حصارها با تبعیت از توپوگرافی و تاقدیس شکل گرفته است.

ب. رودخانهٔ دز واقع در ضلع شمالی شهر تاریخی و مجموعهٔ چغازنبیل که ۱) منظر طبیعی شهر دوراوتناش و مجموعهٔ معماری آن را شکل داده است، ۲) به‌منزلهٔ یکی از عناصر تأثیرگذار طبیعت بر مذاهب و آیین‌های باستانی، مفاهیم مذهبی و آیینی یک شهر مقدس را عینیت و معنا بخشیده است، ۳) سبب استقرار و شکل‌گیری مکان‌های مقدس و معابد عیلامی در پهنه‌ای فرهنگی در پیرامون رودخانه شده است، ۴) نقش و جایگاه ویژه‌ای به عنصر آب در هنر عیلامی داده است، ۵) ترکیبات موجود در رسوبات رسی سبب ساخت و تولید آجرها و خشت‌های مقاوم‌تر با مقادیر کافی کانی در خاک شده است،

و بر اساس نتایج حاصل، تفسیر و تحلیل داده‌ها و استدلال منطقی آن‌ها انجام گرفت. به‌این‌ترتیب، می‌توان بنیان‌های طبیعی تأثیرگذار را برشمرد و تأثیر آن‌ها بر شکل‌گیری شهر و مجموعهٔ میراث معماری چغازنبیل را به شرح زیر خلاصه کرد: الف. تپه‌ماهورها و تاقدیس سردارآباد واقع در حد فاصل رودخانهٔ دز و شهر دوراوتناش که ۱) مانند سدی طبیعی مانعی برای وقوع سیلاب‌های ویران‌کننده است، ۲) بلندترین نقطهٔ ارتفاعی را برای شکل‌گیری شهر و مجموعهٔ معماری فراهم آورده و با امکان اشراف کامل به دشت و نقاط پایین‌دست ایجاد امنیت کرده است، ۳) قرارگیری بر روی آن و اتکای به آن استحکام بستر استقرار و کالبد اثر را تضمین کرده است و بخشی از یک منطقهٔ با ویژگی لرزه‌خیزی ضعیف محسوب می‌شود، ۴) منظر طبیعی میراث معماری چغازنبیل را شکل داده است، ۵) به‌منزلهٔ یکی از عناصر تأثیرگذار طبیعت بر مذاهب و آیین‌های باستانی (کوه؛ نماد جایگاه بلند خدایان)، در شکل‌دهی به ساختار کالبدی



ت ۱۰. وضعیت ژئومورفولوژی و پیوستگی منظر طبیعی مجموعهٔ میراث معماری چغازنبیل، مأخذ: وبگاه اینترنتی میراث جهانی چغازنبیل.

معماری» در ۳ گروه شهر دوراوتناش، مجموعه معماری چغازنبیل، و سازه‌های آبی، و «بر پایه حضور انسان» در اندیشه ساخت با رویکرد کاهش خطر و خلاقیت و مهارت تعامل با طبیعت مشخص کرد. در «جدول ۱» نتایج حاصل از تحلیل داده‌های میدانی را در قالب تعیین شاخص‌ها، ارزش‌های مکانی به‌وجود آمده، و ابعاد شناسایی آن‌ها مشاهده می‌شود.

۷. فرایند باززنده‌سازی میراث معماری چغازنبیل بر مبنای تداوم ارزش‌های مکانی

پیش‌تر روابط میان شاخص‌های مکانی در شهر تاریخی دوراوتناش و مجموعه معماری چغازنبیل و تأثیر چندسویه آن‌ها بر یکدیگر و شکل‌گیری ارزش‌های مکانی بررسی شد. بر اساس چارچوب مفهومی پژوهش، با مشخص شدن روابط میان شاخص‌ها و شناسایی ارزش‌های مکانی، رویکرد مناسب برای حفاظت از این روابط، در جریان باززنده‌سازی، رویکرد کاهش خطر بلایا است. برای عرضه راهکارهای کاهش خطر بلایا، ابتدا خطرات انسانی و طبیعی اولیه و ثانویه در منطقه بررسی و ارزیابی گردیده و عناصر آسیب‌پذیر شناسایی و میزان آسیب‌پذیری احتمالی بر ارزش‌های مکانی مشخص شده است. در «ت ۱۱» فرایند این ارزیابی را از شناسایی خطر تا ارائه راهکارها مشاهده می‌شود.

در مجموعه چغازنبیل خطر روان‌آب‌ها و سیل، به‌علت ضعف ذاتی زمین در برابر رطوبت و همچنین خساراتی که بارندگی‌های شدید در مدت کوتاه بر سایت وارد می‌کنند، یکی از چالش‌برانگیزترین مسائل حفاظت است. بررسی آمار مدت، شدت، و داده‌های بارندگی ایستگاه کیماتولوژی هفت‌تپه نشان می‌دهد که بارش‌های منطقه با شدت بالا و در مدت کم اتفاق می‌افتد که میزان آسیب‌رسانی آن را شدیدتر می‌کند. همچنین بر اساس گزارش‌های پایگاه جهانی چغازنبیل، باران‌های سیل‌آسا، روان‌آب‌ها، و تغییرات آب‌وهوایی و اقلیمی سبب

(۶) بیشه‌زارها و جنگل را همچون منبع تأمین چوب و سوخت لازم کوره‌ها برای تولید سفال، خشت، و آجر به‌وجود آورده است.

پ. بیشه‌زار پیرامون رودخانه دز شکل گرفته و (۱) منظر طبیعی میراث معماری چغازنبیل را شکل داده است و (۲) منبعی برای تأمین چوب و سوخت لازم برای تولید سفال، خشت، و آجر در ساخت معبد و شهر بوده است.

بر اساس مطالعات انجام‌شده و با شناخت روابط میان بنیان‌های طبیعی منطقه با شهر و مجموعه معماری و تحلیل این روابط، اثرگذاری شاخص‌ها بر یکدیگر و در ابعاد مختلف مشخص شد. با توجه به نتایج این بررسی، می‌توان شاخص‌های ارزش مکانی مجموعه چغازنبیل را بر پایه «بنیان‌های طبیعی» در ۳ گروه تأقدیس سردارآباد، رودخانه دز، و بیشه‌زار، «بر پایه

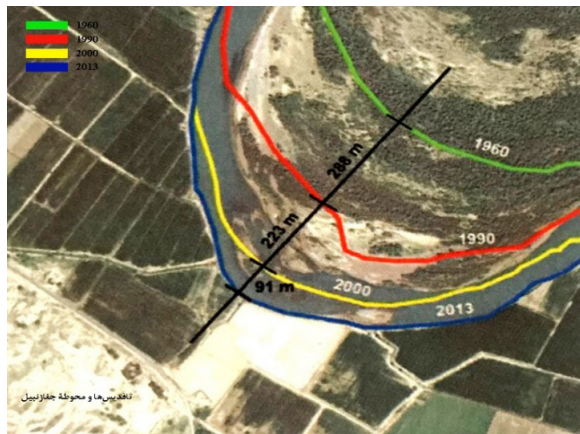
جدول ۱. اثرگذاری بنیان‌های طبیعی و ابعاد شناسایی ارزش‌های مکانی در مجموعه میراث معماری چغازنبیل. طرح و تدوین: نگارندگان.

شاخص ارزش مکانی در بنیان‌های طبیعی	اثرگذاری	ابعاد
تپه‌ماهورها و تأقدیس سردارآباد (ارتفاعات)	وجه تسمیه نام تمدن عیلام	معنایی
	نماد تقدس و جایگاه خدایان بودن	معنایی
	چشم‌انداز وسیع دشت برای معبد	منظری
	استحکام و پایداری زمین و بستر استقرار اثر	ساختاری
رودخانه دز	ساخت تأسیسات شهری و سازه‌های آبی (به دلیل بالا بودن تراز ارتفاعی نسبت به رودخانه)	ساختاری، عملکردی
	شکل‌گیری فرم شهر و حصارها	ساختاری
	بلندی و اشراف به دشت	عملکردی
	شکل‌گیری منظر پیوسته دشت، بیشه‌زار و زمین‌های کشاورزی	منظری
بیشه‌زار	ساخت سازه‌های آبی (به دلیل پایین بودن تراز رودخانه)	ساختاری، عملکردی
	ساخت مصالح با کیفیت (خاک مناسب سواحل رود و رسوبات رسی و مقادیر کافی کانی)	ساختاری، عملکردی
بیشه‌زار	نقش اثرگذار آب در مذهب، برگزاری آیین‌ها و هنر عیلامی	معنایی
	استقرار و شکل‌گیری مکان‌های مقدس و معابد عیلامی در محیط پیرامون رودخانه	معنایی
	منبع مناسب برای سوخت کوره‌های سنتی و تولید خشت و آجر	ساختاری
	پیوستگی با منظر طبیعی و ارتباط شهر مقدس با طبیعت	معنایی، منظری

۶۲ عاطفه رشنوئی و مهرنوش زاده‌دباغ، سالنامه پایگاه جهانی چغازنبیل و هفت‌تپه، ص ۳۱۳.

ت ۱۲ (بالا). پیشروی رودخانه به سمت محوطه چغازنبیل در بازه زمانی ۱۹۶۰ تا ۲۰۱۳، مأخذ: رشنوئی و زاده‌دباغ، سالنامه پایگاه جهانی چغازنبیل و هفت‌تپه. ت ۱۱ (پایین). فرایند ارزیابی خطر، شناسایی بلایا و میزان اثرگذاری بر ارزش‌های مکانی، طرح و تدوین: نگارندگان.

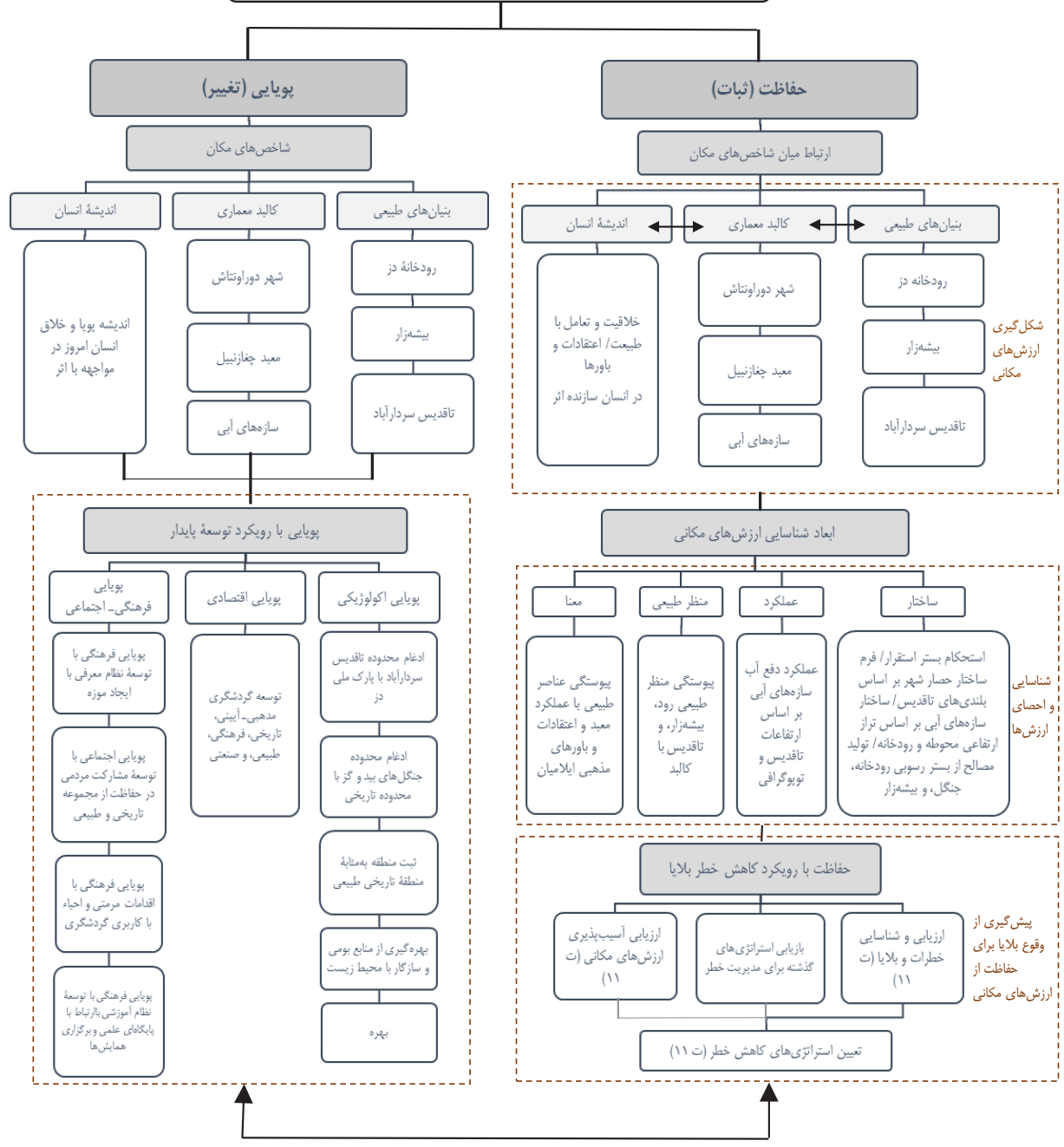
۲۰۱۳ قابل تشخیص است. از جمله خطرات ناشی از فعالیت‌های انسانی نیز می‌توان به احداث حوضچه‌های ماهی، حفر چاه، تسطیح اراضی، راه‌سازی، احداث تأسیسات و کارخانه‌های صنعتی، و به‌طور کلی گسترش کشت و صنعت اشاره کرد که تغییرات شدید زیست‌محیطی را به دنبال داشته است. با توجه به این خطرات، عناصر آسیب‌پذیر مجموعه (مرتبط با شاخص‌های



کاهش پوشش گیاهی، فقدان مواد آلی در پروفیل سطحی خاک، افزایش دمای سطح خاک، و در نهایت تخریب خاک و فرسایش در کل محدوده تأقدیس شده است. بنابر نتیجه بررسی تراکم پوشش گیاهی جنگلی در محدوده حریم منظر محوطه میراث جهانی چغازنبیل، مساحت پوشش‌های جنگلی در بازه زمانی ۲۳ ساله بیش از ۳۸٪ کاهش داشته است. همچنین طبق مطالعات انجام‌گرفته در پایگاه، با استفاده از تصاویر ماهواره‌ای لندست و باند مادون قرمز تصاویر این ماهواره، کاهش میزان رسوب رودخانه به دلیل احداث دو سد بر روی رودخانه دز در شهر دزفول مشاهده شده است. احداث این دو سد تنظیمی بر روی رودخانه سبب انباشت و ته‌نشین شدن رسوبات در مخزن آن‌ها و تخلیه آب خالص بدون رسوب از سدها شده که دارای قدرت تخریبی بیشتری است و کاهش شیب در پایین‌دست به‌همراه افزایش بار تخریبی رودخانه سبب افزایش پیچ رود و ۳۱۴ متر پیشروی به طرف محوطه چغازنبیل است.^{۶۲} در «ت ۱۲» روند پیشروی رود از سال ۱۹۶۰ تا سال



باززنده‌سازی میراث معماری چغازنبیل برمبنای تداوم ارزش‌های مکانی



ت ۱۳. تدقیق چارچوب باززنده‌سازی میراث معماری بر مبنای ارزش‌های مکانی مجموعه چغازنبیل، طرح و تدوین: نگارنده.

«ت ۱۳» چارچوب «باززننده‌سازی مجموعه میراث معماری چغازنبیل بر مبنای تداوم ارزش‌های مکانی» نشان داده شده است. در این چارچوب مؤلفه «پویایی» (که باید هم‌زمان با «حفاظت» در جریان باززننده‌سازی به آن توجه شود)، باید در شاخص‌های مکان، یعنی عناصر طبیعی، کالبد معماری، و اندیشه انسان امروز، اتفاق بیفتد. پویایی اگر با رویکرد توسعه پایدار که سه هدف توسعه اکولوژیکی، فرهنگی-اجتماعی، و اقتصادی را دنبال می‌کند، صورت بگیرد، به احیای بنیان‌های طبیعی، احیا و گسترش فرهنگ، مشارک‌های اجتماعی، به کارگیری نیرو و دانش بومی، و بهره‌برداری اقتصادی پایدار می‌انجامد. یکپارچه دیدن منابع طبیعی ملی منطقه با محدوده تاریخی، یعنی ادغام پارک ملی دز و جنگل‌های بید و گز با تاق‌دیس سردارآباد و محدوده فرهنگی-تاریخی چغازنبیل، نه تنها به حفاظت یکپارچه این مجموعه کمک خواهد کرد؛ بلکه موجب توسعه گردشگری (با توجه به پتانسیل‌های منطقه) از گردشگری صرف تاریخی، فرهنگی به گردشگری تاریخی، فرهنگی، طبیعی، صنعتی، و مذهبی-آیینی (به‌منزله بخشی از تاریخ مذاهب و ادیان باستانی) خواهد شد. بدیهی است که این توسعه به بهره‌برداری اقتصادی پایدار نیز می‌انجامد. به این ترتیب، مؤلفه «پویایی» در باززننده‌سازی میراث معماری با رویکرد توسعه پایدار به پتانسیل‌های موجود در منطقه مبتنی است و برای توسعه، روزآمدی، و تغییر به مفهوم پایداری اتکا دارد و می‌تواند سبب تداوم ارزش‌های مکانی مجموعه چغازنبیل شود.

۸. نتیجه‌گیری

نتایج به‌دست‌آمده از پژوهش بیانگر آن هستند که پیوستگی و ارتباط تأثیرگذار و متقابل میان شاخص‌های جغرافیای طبیعی، اندیشه انسان و کالبد، در زمان ساخت اثر «ارزش‌های مکانی» را خلق می‌کند. از سوی دیگر، برای پاسخ دادن به چگونگی «تداوم ارزش‌ها» در این عرصه، به بررسی و شناخت اصل

مکانی) بررسی شده و وقوع بلایای ناشی از خطرات انسانی و طبیعی شناسایی گردیده و بر این اساس اثرگذاری این بلایا بر ارزش‌های مکانی پیش‌بینی و طبقه‌بندی شده است. بیشترین احتمال وقوع بلا احتمال وقوع سیل ناشی از خطراتی چون تسطیح تاق‌دیس سردارآباد، کاهش پوشش گیاهی بیشه‌زار و جنگل دز، و طغیان بارندگی و پیشروی رودخانه به سمت مجموعه تاریخی است.

تغییرات ایجادشده در این عناصر طبیعی در سال‌های گذشته بر ارزش‌های مکانی شناسایی شده در مجموعه تأثیر گذاشته و بدون تدابیر لازم و عرضه راهکارهای پیشگیری برای کاهش خطر بلایا، شاهد از دست رفتن این ارزش‌ها خواهیم بود. از این‌رو در باززننده‌سازی میراث معماری چغازنبیل، اتخاذ رویکرد کاهش خطر بلایا و عرضه راهکارهای آن برای تداوم ارزش‌های مکانی مجموعه یک ضرورت است. راهکارهای عرضه‌شده در این پژوهش مرتبط با ارزش‌های مکانی و با رویکرد کاهش خطر بلایا است و بدیهی است که برای حفظ و استمرار همه ارزش‌ها، مجموعه نیازمند طرح مدیریت خطر بلایا و عرضه راهکارهایی جامع‌تر است. راهکارهای پیشگیری و کاهش خطر بلایا برای تداوم ارزش‌های مکانی احصا شده در مجموعه میراث معماری چغازنبیل شامل تهیه نقشه‌های خطر و آسیب‌پذیری در محدوده و حریم سایت جهانی، استحکام‌بخشی سازه‌ها با مصالح بومی، هدایت صحیح روان‌آب‌ها از سایت و خروج آن‌ها با احیای ناودان‌های طراحی شده در گذشته، احیای سازه‌های آبی مجموعه برای به‌کارگیری دوباره سیستم دفع آب در گذشته، متوقف کردن تسطیح تاق‌دیس، متوقف کردن احداث سد، و کشت و صنعت بی‌رویه انسانی می‌شود. به این ترتیب، کاربست مؤلفه «حفاظت» به‌منزله یکی از مؤلفه‌های «تداوم» در جریان باززننده‌سازی مجموعه چغازنبیل، با رویکرد کاهش خطر بلایا می‌تواند به تداوم ارزش‌های مکانی شهر تاریخی دوراوتناش و مجموعه میراث معماری چغازنبیل بیانجامد. در

«تداوم» پرداخته شد. بر پایه مطالعات نظری، مفهوم تداوم دارای دو مؤلفه «پویایی در اجزا» و «حفاظت از روابط» است که تداوم یک پدیده را وابسته به حضور هم‌زمان آن دو مؤلفه می‌کند. از آنجاکه پویایی و تغییر در کالبد میراث معماری، اندیشه انسان، و بنیان‌های طبیعی (به‌منزله شاخص‌های ارزش مکانی) در طول زمان اتفاق می‌افتد و اجتناب‌ناپذیر است، حفاظت باید در «ارتباط و پیوستگی» میان آن‌ها رخ دهد تا تداوم و استمرار برقرار شود. حال، در فرایند باززنده‌سازی میراث معماری که در زمانه حاضر و با اندیشه‌های نسل مواجه با اثر اتفاق می‌افتد، چگونگی کاربست دو مؤلفه «حفاظت» و «پویایی» برای دستیابی به هدف تداوم ارزش‌ها مقوله‌ای مهم است و انتخاب رویکردهایی، که در جریان باززنده‌سازی هم به حفاظت و هم به پویایی اثر بیانجامد، اهمیت فراوانی می‌یابد. مدل مفهومی عرضه‌شده در پژوهش الگویی برای فرایند باززنده‌سازی میراث معماری بر مبنای حفاظت و تداوم ارزش‌های مکانی است. بنابراین، رویکرد باززنده‌سازی باید بر مبنای اصل تداوم، یعنی مبتنی بر حضور هم‌زمان دو مؤلفه «حفاظت» و «پویایی» باشد. از این‌رو، با توجه به اینکه «حفاظت» باید از رابطه میان شاخص‌های مکانی (رابطه میان بنیان‌های طبیعی با کالبد معماری و با اندیشه ساخت) صورت گیرد و این رابطه در ساختار (طراحی، سازه، و مصالح)، عملکرد (عملکرد اصلی و عملکرد ریزفضاها)، منظر طبیعی (پیوستگی عناصر طبیعی و کالبد)، و معنای (اعتقادات و باورها، پیوستگی عناصر طبیعی و عملکرد) اثر قابل‌شناسایی است، باید در گام نخست ارزش‌های مکانی نهفته در این ابعاد را شناسایی و احصا کرد. برای «حفاظت» از ارزش‌های مکانی احصا‌شده، در فرایند باززنده‌سازی و در الگوی پیشنهادی، رویکرد کاهش خطر بلایا که به حفاظت می‌انجامد، انتخاب شده است. این رویکرد، با شناسایی خطرات، بلایا، و عناصر آسیب‌پذیر، تأثیر احتمالی خطرات و بلایا را بر ارزش‌های مکانی بررسی می‌کند و با عرضه راهکارهای کاهش خطر، به حفاظت ارزش‌های مکانی

می‌انجامد. از سوی دیگر، برای مدیریت تغییرات اجتناب‌ناپذیر و ایجاد پویایی به‌مثابه مؤلفه دیگر تداوم، باید رویکردی را انتخاب و پیش رو قرار داد که تغییرات و پویایی را برای باززنده‌سازی اثر به سمت توسعه حفاظت‌محور مدیریت کند. رویکرد توسعه پایدار به‌منزله رویکردی که به پایداری محیط زیست، توسعه اقتصادی، و توسعه فرهنگی-اجتماعی توجه دارد، هم شاخص‌های ارزش مکانی را در بر می‌گیرد و هم به شاخص‌های تأثیرگذار در باززنده‌سازی، اعم از اقتصاد، فرهنگ، و اجتماع، توجه می‌کند. مؤلفه «پویایی» در باززنده‌سازی میراث معماری با رویکرد توسعه پایدار به پتانسیل‌های موجود در منطقه مبتنی است و برای توسعه، روزآمدی، و تغییر به مفهوم پایداری اتکا دارد و می‌تواند در کنار مؤلفه «حفاظت» موجب تداوم ارزش‌های مکانی در فرایند باززنده‌سازی شود. نتایج بررسی اسنادی و مشاهدات میدانی در مجموعه میراث معماری چغازنبیل، به‌منزله نمونه موردی پژوهش که پیوندی عمیق با جغرافیای طبیعی و ارزش‌های مکانی غنی دارد، نشان می‌دهد که شاخص‌های ارزش مکانی بر پایه بنیان‌های طبیعی در ۳ گروه تاقدیس سردارآباد، رودخانه دز، و بیشه‌زار، بر پایه معمار؛ در ۳ گروه شهر دوراوتناش، معماری معبد چغازنبیل، و سازه‌های آبی، و بر پایه حضور انسان در اندیشه ساخت، خلاقیت، و مهارت تعامل با طبیعت است. در نتیجه حفاظت از رابطه میان بنیان‌های طبیعی، اندیشه ساخت، و میراث معماری چغازنبیل (ارزش‌های مکانی)، حفاظت از ساختار حصار شهر در پیوستگی با تاقدیس و تپه‌ماهورها، ساختار و عملکرد سازه‌های آبی در تراز ارتفاعی محوطه و رودخانه، بستر رودخانه دز، و خاک مناسب تولید مصالح، بیشه‌زار، و روش‌های تولید با کوره‌های سنتی، پیوستگی منظر طبیعی با کالبد معماری چغازنبیل، و همچنین حفاظت از کوه، آب، و بقایای معماری مذهبی محوطه دهنو در پیوستگی معنایی با شهر دوراوتناش است. در عرضه فرایند باززنده‌سازی مجموعه، با اتخاذ رویکرد کاهش خطر بلایا و با شناسایی خطرات، بلایا،

فرهنگی، طبیعی، صنعتی و مذهبی-آیینی (به‌مثابه بخشی از تاریخ مذاهب و ادیان باستانی) خواهد شد. مؤلفه «پویایی» با رویکرد توسعه پایدار در باززنده‌سازی میراث معماری، به پتانسیل‌های موجود در منطقه توجه می‌کند و برای توسعه و احیای مجموعه در زمینه فرهنگی، اجتماعی، و اقتصادی به مفهوم پایداری اتکاء دارد و با حضور هم‌زمان مؤلفه «حفاظت»، فرایند باززنده‌سازی را بر مبنای تداوم ارزش‌های مکانی پیش می‌برد. در یک جمع‌بندی ساده‌تر می‌توان چنین آورد: در فرایند باززنده‌سازی میراث معماری، خوانش ارزش‌های مکانی و حفاظت و تداوم آن‌ها ضروری می‌نماید و برای تحقق این تداوم، به حضور هم‌زمان دو مؤلفه «حفاظت» با اتخاذ رویکرد «کاهش خطر بلایا» و «پویایی» با اتخاذ رویکرد «توسعه پایدار» نیاز است.

حجت، مهدی. میراث فرهنگی در ایران: سیاست‌ها برای یک کشور اسلامی. تهران: سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۸۶.

خانچی، پیروز و عباس آذری و سعید محمودکلیه. «مدیریت ارزش‌گذاری در بافت‌های تاریخی با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی!»؛ نمونه موردی: مطالعه در محور تاریخی خیابان لاله‌زار». در مطالعات شهر ایرانی اسلامی، ش ۱۲ (۱۳۹۲)، ص ۳۷-۴۴.

رحیم‌زاده، محمدرضا و مهنام نجفی. «جایگاه درک ارزش‌های ماهوی اثر تاریخی در روند احیای آن». در مجموعه مقالات نخستین همایش شناخت و معرفی مزیت‌ها و ظرفیت‌های احیاء و بهره‌برداری از اماکن تاریخی و فرهنگی. تهران: سمیرا/صندوق احیاء و بهره‌برداری از اماکن تاریخی و فرهنگی، ۱۳۸۹.

رشنویی، عاطفه و مهرنوش زاده‌دباغ. سالنامه پایگاه جهانی چغازنبیل و هفت‌تپه. پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، ۱۴۰۰.

رلف، ادوارد. مکان و بی‌مکانی. ترجمه محمدرضا نقصان و کاظم مندگاری و زهیر متکی. تهران: آران‌شهر، ۱۳۹۷.

سازمان ملل متحد، «چارچوب کاری هیوگو، (۲۰۰۵-۲۰۱۵)». در کنفرانس جهانی کاهش خطرپذیری در مواجهه با بحران‌ها. ترجمه ولی‌زاده. زهره و مریم رحمانی و میثم میرطاهری. تهران: سازمان پیشگیری و مدیریت بحران، ۱۳۹۵.

عناصر آسیب‌پذیر و تأثیرات احتمالی آنها بر ارزش‌های مکانی مجموعه، راهکارهایی برای حفاظت از آنها عرضه شد. همچنین مؤلفه پویایی در فرایند باززنده‌سازی با رویکرد توسعه پایدار و اهداف توسعه اکولوژیکی، توسعه فرهنگی-اجتماعی، و توسعه اقتصادی می‌تواند به احیای بنیان‌های طبیعی، احیا و گسترش فرهنگ، مشارکت‌های اجتماعی، به‌کارگیری نیرو و دانش بومی، و بهره‌برداری اقتصادی پایدار بیانجامد. یکپارچه دیدن منابع طبیعی ملی با محدوده تاریخی چغازنبیل، یعنی ادغام پارک ملی دز و جنگل‌های بید و گز با تاق‌دیس سردارآباد و محدوده فرهنگی-تاریخی چغازنبیل، با عنوان منطقه تاریخی-طبیعی، هم حفاظت یکپارچه مجموعه را به‌دنبال خواهد داشت و هم موجب توسعه گردشگری (با توجه به پتانسیل‌های منطقه) از گردشگری صرف تاریخی-فرهنگی به گردشگری-تاریخی،

منابع و مآخذ

ابراهیمی‌پور فرسنگی، مریم و احمد نادعلیان. «بازتاب باورهای مرتبط با آب در آثار هنری ایلامیان». در فصلنامه علمی-پژوهشی نگره، ش ۲۱ (۱۳۹۰)، ص ۸۵-۹۴.

برومر، وینست. «سنت، تغییر و حفظ هویت». ترجمه سیدمصطفی شهرآیینی. در هفت آسمان، دوره ۳، ش ۱۲ و ۱۳ (۱۳۸۱)، ص ۲۹-۵۰.

بهاروند، ندا و ندا آرین و محمدرسالار ترخانی و منوچهر قرشی و محمدرضا طالبیان. «بررسی زمین ساخت فعال در تاق‌دیس سردارآباد و اثر آن بر معبد چغازنبیل». در زمین، دوره ۵، ش ۲ (تابستان ۱۳۸۹)، ص ۱-۱۴.

پاتس، دانیل توماس. باستان‌شناسی ایلام. ترجمه زهرا باستی. تهران: سمت، ۱۳۸۸.

پالمر، جوی. آموزش محیط زیست در قرن بیست و یکم. ترجمه علی محمد خورشیددوست. تهران: سمت، ۱۳۸۲.

پرادا، ادیث و رابرت دایسون و چارلز ویلکینسون. هنر ایران باستان، تمدن‌های پیش از اسلام. ترجمه یوسف مجیدزاده. انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۵.

جعفری، محمדתقی. حرکت و تحول از دیدگاه قرآن. تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری، ۱۳۸۶.

فلاح، محمدصادق و لیلا کمالی و صمد رشیدی. «نقش مفهوم حس مکان در ارتقای کیفیت حفاظت معماری». در باغ نظر، دوره ۱۴، ش ۴۶ (فروردین ۱۳۹۶)، ص ۱۵-۲۲.

فلامکی، محمدمنصور. *باززنده‌سازی بناها و شهرهای تاریخی*، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۳.

گریشمن، رومن. *چغازنبیل*. ترجمه اصغر کریمی. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، ۱۳۷۴.

لطفی، سهند. «پژوهشی درباره دگردیسی و پایایی در مرمت شهری». در: *هنرهای زیبا*، ش ۳۱ (پاییز ۱۳۸۶)، ص ۲۶-۱۵.

مظفر، فرهنگ و هادی ندیمی و ابوذر صالحی. «هستی‌شناسی مکان تاریخی»، در *پژوهش‌های معماری اسلامی*، ش ۱۵ (تابستان ۱۳۹۶)، ص ۲۰-۳۳.

مفیدی نصرآبادی، بهزاد. *حفاری‌های چغازنبیل*، پایگاه جهانی چغازنبیل و هفت‌تپه: گزارش عملیات حفاری بین‌المللی. ۱۳۷۸.

ملکشاهی، حسن. *حرکت و استیفای اقسام آن*. تهران: سروش، ۱۳۷۶.

نگهبان، عزت‌الله. *حفاری هفت‌تپه دشت خوزستان*. تهران: سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۷۲.

هادیان دهکردی، منیژه. «نقش آنالیزهای فیزیکی و شیمیایی مالت در تعیین اصالت کالبدی بناهای تاریخی: مطالعه موردی: زیگورات چغازنبیل». در *سومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش در علوم و تکنولوژی*، برلین، آلمان، ۱۳۹۵.

یوکیلتو، یوکا. *تاریخ حفاظت معماری*. ترجمه محمدحسن طالبیان و خشایار بهاری. تهران: روزنه، ۱۳۸۷.

سازمان ملل متحد. *چارچوب سندای برای کاهش خطر بلایا*، (۲۰۱۵-۲۰۳۰). ترجمه عباس استادتی‌زاده و مصطفی محقق و کیوان کریم لو. تهران: سازمان پیشگیری و مدیریت بحران شهر تهران، ۱۳۹۵.

ساک‌پور، انوش. *طراحی و مرمت محیطی منظر فرهنگی چغازنبیل*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۶.

سامانیان، صمد و مهدی حجت و عادلہ محتشم. «واکاوی تاریخی و انتظام زمانمند ارزش‌ها در حفاظت و مرمت آثار تاریخی- فرهنگی با استناد به آراء اندیشمندان و اسناد جهانی». در *تاریخ و فرهنگ*، ش ۹۸ (بهار و تابستان ۱۳۹۶)، ص ۹-۳۶.

شبروانی، مریم و حسین احمدی و رسول وطن‌دوست. «بازشناسی ارزش و عوامل تأثیرگذار در دگرگونی دیدگاه‌های ارزشی در حفاظت از میراث فرهنگی در قرن حاضر»، در *هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی*، دوره ۲۱، ش ۴ (اسفند ۱۳۹۵)، ص ۳۹-۵۰.

صبوچی، عفت و محمد مسعود و داریوش مرادی چادگان. «تداوم مکان در گذر زمان در تعامل با انسان». در *صفه*، ش ۸۵ (تابستان ۱۳۹۸)، ص ۹۵-۱۱۶.

طالبیان، محمد حسن. *نقش مفهوم اصالت در حفاظت محوطه‌های میراث جهانی دوراوتناش برای حفاظت مبتنی بر اصالت*. پایان‌نامه دکتری. تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۴.

عباسلو، سینا و منوچهر پورمیرزا. «دو آجرنبشته نویافته ایلامی در دشت شوشان». در *دوفصلنامه تخصصی پژوهشنامه فرهنگ و زبان‌های باستانی*. سال دوم، ش ۱ (پاییز و زمستان، ۱۳۹۸)، ص ۵۷-۷۰.

علی‌الحسابی، مهران و راضیه رضازاده و نصیبه چربگو. «ارائه مدل مفهومی معنای مکان و شاخص‌های تداوم آن». در *باغ نظر*، دوره ۱۴، ش ۵۲ (مهر ۱۳۹۶)، ص ۱۷-۲۶.

Relation to the World Heritage Convention. 1994. <http://icomos.org/index.php/en/charters-and-texts>

Mofidi-Nasrabadi, Behzad & Doris Prechel & Alexander Prueß (eds). "Elam and its Neighbors: Recent Research and New Perspectives". In *Proceedings of the International Congress Held at Johannes Gutenberg University Mainz (Elamica 8)*, Hildesheim: Verlag Franzbecker, September 21-23, 2016.

Nakhaei, M. & M. Correia. "Water-Risk Management In TCHOCHA ZANBIL World Heritage Site In Iran, With A Focus On The Ancient Managment System". In *HERITAGE2020 (3DPast | RISK-Terra) International Conference, Valencia, Spain. 9-12 September 2020*, DOI:10.5194/isprs-archives-XLIV-M-1-2020-683-2020

Relph, E. *Place and Placelessness*. Pion Limited, London. 1976.

The World Heritage Centre of UNESCO, ICCROM, ICOMOS, IUCN; *Managing Disaster Risks for World Heritage*; United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization, 2010.

Afkhami, Behrouz. "Phenomenology of Choghazanbil Zigurat". In *Journal of Ancient History and Archaeology*, No. 6.1 (2019). DOI: 10.14795/j.v6i1.355

Azizkhani, Mehdi. "Between the Past and the Future: Philip Johnson's Design Thinking and Practice at GAI". In *International Journal of Islamic Architecture*, Vol. 6, No. 1 (2017).

Baper, Y. Salahaddin. "The Role of Heritage Buildings in Constructing the Durability of Architectural Identity in Erbil City". In *International Transaction Journal of Engineering, Management, & Applied Sciences & Technologies*, 9(1) (2018), pp. 1-12. DOI: 10.1386/ijia.6.1.121_1

Horlings, L.G. "Values in Place: A Value-oriented Approach toward Sustainable Place-shaping". In *Regional Studies, Regional Science*, Vol. 2 No. 1 (2015).

ICOMOS. *The Australia ICOMOS Charter for Places of Cultural Significance*. 2013. <https://www.icomos.org/charters>

ICOMOS Charter. *The Nara Conference on Authenticity in*